

بهبود و افزایشی در حقوق پرداختی به کارکنان آنها صورت بگیرد، در دستگاه آموزش و پرورش چنین چیزی نیز برای اکثریت عظیم کارکنان، به غیر از "نورچشمی‌ها"، وجود ندارد.

طرفه اینجاست که همین حقوق نازل ماهانه آموزگاران و دبیران هم به موقع و بطور کامل پرداخت نمی‌شود. زیرا که طبق شگرد رایج در اغلب موسسات دولتی، همان حقوق اندک فرهنگیان به چند جزء و بخش متفاوت: "حقوق

پایه"، "حق مسکن"، "فوق العاده جذب"، "فوق العاده مناطق محروم"، "اضافه کار" و ... تقسیم می‌شود که هر کدام از آنها نیز مقررات و "متولی" خاص خود را در بوروکراسی گسترده وزارت آموزش و پرورش دارند. اگر "حقوق پایه" معلمان معمولاً سر برج پرداخت می‌گردد، لکن پرداخت باقیمانده اجزاء، که در واقع همان درآمد نازل ماهانه خانوارهای فرهنگی را تشکیل می‌دهند، با انواع تاخیر، تعلل و بهانه تراشی‌ها روبرو می‌شود.

در اعتراض به این گونه تبعیضات، حق کثی‌ها و فشارهای فزاینده است که معلمان ایران، به رغم حاکمیت سرکوب و اختناق، به تلاشها و حرکت‌های گوناگونی طی سالهای گذشته اقدام کرده‌اند. ارجمله مهمترین آنها، اعتراضات گسترده و تجمع معلمان در برابر مجلس و دفتر ریاست جمهوری در دی و بهمن سال گذشته بود که تداوم و گسترش آنها، سرانجام محمد خاتمی را به تشکیل "کمیته ویژه منتخب رئیس جمهور" برای پیگیری مسائل فرهنگیان، ناگزیر ساخت. (اتحاد کار شماره ۹۴، بهمن ۱۳۸۰).

اما همان طور که قابل پیش بینی بود و تجربه‌های "کمیته‌های متعدد ایجاد شده از جانب خاتمی راجع به موضوعات و مسائل گوناگون نیز به روشنی نشان داده بود، از این "کمیته ویژه" هم هیچ آبی برای فرهنگیان گرم نشد. در این "کمیته" هیچ نماینده‌ای از معلمان حضور نداشت و فقط از تعدادی از وزرا و مسئولان دولتی تشکیل شده بود که اگر خود این مقامات و مسئولان حاضر به انجام وظائف و

نیروهای انتظامی و ضرب و شتم عده‌ای از تظاهرکنندگان، به پایان رسید.

تظاهرات روز جمعه معلمان، در واقع در ادامه یک رشته حرکتها و اعتراضات

صدها تن از معلمان تهران روز جمعه ۲۲ آذرماه، در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالباتشان دست به تظاهرات زدند. این تظاهرات با دخالت و تهاجم ماموران انتظامی رژیم روبرو گردید.

"خانه معلمان"، یکی از تشکل‌های موجود فرهنگیان، چند روز پیش از آن، برای پیگیری پاره‌ای خواسته‌های صنفی، معلمان را به یک

اعتراضات معلمان به عدم رسیدگی به مطالباتشان

فرهنگیان بود که طی چند ماه گذشته، در تهران و برخی دیگر از شهرها، انجام گرفته بود. در این اعتراضات، معلمان ضمن طرح مجدد مشکلات صنفی خود، و خصوصاً مسائل حاد معیشتی، عدم پیگیری خواسته‌هایشان و عدم اجرای وعده‌های مکرر مسئولان را شدیداً مورد انتقاد قرار داده‌اند. از جمله در اطلاعیه‌ای که از طرف "کانون صنفی معلمان" در آبان گذشته انتشار یافته، با انتقاد از عملکرد مسئولان وزارت آموزش و پرورش، آمده است:

"سرگرم بودن بسیاری از مدیران ارشد این وزارتخانه به فعالیت در بنگاه‌های اقتصادی سودآور، توان برنامه ریزی آموزشی و فرهنگی را از آنان گرفته و ساختار بسته و بیمار آموزش و پرورش و تشکلهای صنفی فرهنگیان، مشکلات فراوانی در این وزارتخانه ایجاد کرده است."

عدم تکافوی دستمزد و حقوق در برابر هزینه‌های فزاینده زندگی، همواره یکی از مشکلات اصلی قشر عظیم فرهنگیان، مانند سایر اقشار مزد و حقوق بگیران، بوده است. اما عدم رسیدگی به خواست اولیه آنها برای ترمیم و افزایش حقوق، و متقابلاً رشد سرسام آور قیمت‌های مایحتاج عمومی، مسکن و اجاره بها، مخارج بهداشت و درمان، ایاب و ذهاب و ...، روز به روز فشار وارده بر آنها را افزونتر و تعداد بیشتری از آنها را به زیر خط فقر و فلاکت پرتاب می‌کند. هرگاه در برخی ادارات و شرکت‌های دولتی این امکان وجود دارد که به هر ترتیب، اندک

گردهمائی در ورزشگاه "حیدریان" واقع در خیابان حافظ تهران، فراخوانده بود. لکن وزارت کشور طبق معمول، با برگزاری این تجمع صنفی مخالفت و از صدور "مجوز" امتناع کرده و از برگزارکنندگان مراسم نیز خواسته بود که لغو آن را اعلام کنند.

با اینهمه، از ساعت نه و نیم صبح روز ۲۲ آذر گروه‌های زیادی از فرهنگیان در برابر ورزشگاه اجتماع کردند. نیروهای انتظامی رژیم نیز از همان صبح در این محل و پیرامون آن مستقر شده بودند. بر در بسته ورزشگاه هم اطلاعیه مبهم و نامشخصی، بدین مضمون نصب شده بود: "به اطلاع همکاران محترم فرهنگی می‌رساند همان گونه که قبلاً به اطلاع رسیده، مراسم امروز به دلیل توافقات به عمل آمده و مذاکرات انجام شده با وزارت آموزش و پرورش مبنی بر بررسی موضوعات مربوطه از طریق مسئولان ذیربط، ملغی اعلام گردیده است!"

در این وضعیت و در پی اخطارهای مکرر فرماندهان انتظامی، گروهی از اجتماع کنندگان محل را ترک کردند. اما گروهی دیگر از آنها که بیش از ۵۰۰ نفر بودند، در همان محل و تا تقاطع خیابانهای حافظ و انقلاب، شروع به راهپیمائی و سردادن شعار کردند. "معلم شده خسته، تبعیض دیگه بسه"، "خود در رفاه و نعمت، ما را کند نصیحت"، "معلم، اتحاد، اتحاد" و "وزیر بی کفایت، استعفاء، استعفاء" از جمله شعارهای معلمان معترض بود. این تظاهرات که تا ساعت یازده و نیم ادامه داشت، سرانجام در پی برخورد و حمله

تربیتی" در مدارس و ادارات آموزش و پرورش از سوی نمایندگان همین جناح، و گنجاندن آن به عنوان یکی از موارد اعتراضی فرهنگیان، نیز شگرد دیگری برای به انحراف کشیدن مبارزات صنفی و اجتماعی معلمان است.

تردیدی نیست که نبود تشکل های مستقل و سراسری یکی از موانع عمده رشد و تداوم و تاثیرگذاری ضروری حرکتها و تلاشهای فرهنگیان ایران است. قابل توجه است که در این زمینه، یعنی جلوگیری از شکل گیری نهادهای صنفی مستقل و سراسری و یا کوشش برای وابسته کردن تشکل ها به خود، هر دو جناح رژیم مقاصد مشترکی را دنبال می کنند. در دوران وزارت حزب الهی قدیمی، حسین مظفر، تلاشهای فرهنگیان در تهران و بعضی شهرهای بزرگ دیگر برای پی ریزی نهاد صنفی مستقل و فراگیر، با انواع محدودیتها، تهدیدات و سرکوب از سوی مسئولان وزارتخانه روبرو گشت. در دوره وزارت حزب الهی سابق و "دوم خردادی" لاحق، مرتضی حاجی نیز کوششهای فرهنگیان در این زمینه از سرنوشت بهتری برخوردار نشده است. هرچند که شعار "جامعه مدنی" هنوز هم ورد زبان مسئولان و مطبوعات دولتی است.

احقاق حقوق و خواستهای صنفی و اجتماعی معلمان بیش از هر زمان دیگری با موفقیت تلاشهای جاری برای پایه ریزی تشکل مستقل و دمکراتیک سراسری آنان گره خورده است. معلمان ایران در تداوم پیکارهای خود خواهند توانست حق داشتن تشکل صنفی آزاد و فراگیر را نیز عملاً رسمیت بخشیده و به گردانندگان حکومتی بقبولانند. مبارزات معلمان که طبعاً از دیگر جنبشهای جاری اجتماعی نیز تاثیر می پذیرد، در پیوند و هماهنگی با آنها نقش سزاوار خود را در تحولات جامعه ما ایفا خواهد کرد.

خود و روسایش را آسوده می کند که "البته ممکن است میزان تقاضا بیش از اینها باشد که با توجه به امکانات و مقدرات دولت فعلاً بیش از این حد مقدور نیست!"

آری، پاسخ حکومتگران در برابر خواستهای برحق اقدشار زحمتکش و

محروم، همواره چنین بوده است: "بیش از این حد مقدور نیست!" اما فرهنگیان کاملاً آگاهند که جامعه ما از آن حد امکانات و ثروتها برخوردار

است که وسائل کار و زندگی آبرومند آنان را که وظیفه اساسی آموزش و پرورش نسلهای آینده را بر دوش دارند، فراهم آورد. تداوم و گسترش مبارزات مستقل خود معلمان است که این مقدرات را از قوه به فعل درخواهد آورد.

ادامه و تشدید کشمکشهای دستجات رقیب حکومتی، در شرایط حاضر، که غالب مسائل و معضلات اجتماعی را نیز ملعبه و یا وجه المصالحه دعوای پایان ناپذیر خود می سازد، البته از مسئله نارضایتی شدید و اعتراضات قشر عظیم فرهنگیان کشور نیز غافل نبوده است. جناحهای متخاصم می کوشند با نشان دادن همدردی ظاهری، با نفوذ در صفوف معلمان معترض و یا حتی با ایجاد تشکل ها و نهادهای فرمایشی و وابسته، از این مسئله نیز در جهت مقاصد خودغرضانه شان، به منظور عقب راندن جناح رقیب، لوث کردن حرکت اعتراضی معلمان و یا به انفعال کشاندن آنها، بهره برداری نمایند. مثلاً جناح خامنه ای و سخنگویان آن که در دوره اخیر مرتباً بر "مشکلات اقتصادی" مردم اشک تمساح می ریزند، در واقع قصد دیگری جز کوبیدن و بی اعتبار ساختن شریک حکومتی خویش ندارند. اعتراض به برچیدن دفاتر "امور

پاسخگوئی به خواستهای فرهنگیان می بودند، دیگر نیازی به ایجاد "کمیته ویژه" نمی بود! این "کمیته" هم حلقه دیگری از وعده و وعیدهای بی پایه گردانندگان حکومتی برای سر دواندن و سرگرم ساختن معترضان بود. چنانکه پس از حدود یک سال از تشکیل آن، وزیر آموزش و پرورش در مصاحبه ای با "ایسنا"، در همان روز برگزاری تظاهرات معلمان در تهران، شرحی از "تسهیلات مصوب کمیته ویژه" ارائه می دهد که در واقع، چیزی جز تکرار وعده های قدیمی



نبوده و هرگاه نیز عملاً به اجرا درآید، هیچ تناسب با مطالبات اساسی و عادلانه معلمان ندارد. وی از جمله این "تسهیلات"، از "افزایش میزان وام مسکن" نام می برد که اگر در این بازار آشفته، بانکها عملاً وامی به فرهنگیان پرداخت بکنند، در آن صورت می توانند از این "افزایش" هم بهره مند شوند. وزیر آموزش و پرورش، از "بررسی مشکلات تعاونیهای مسکن فرهنگیان" خبر داده و می افزاید که "البته با توجه به تعداد زیاد این تعاونیها، نیاز به زمان بیشتری است!" او از "تاسیس بانک فرهنگیان" صحبت می کند، در حالی که ایجاد این بانک اساساً هیچ ربطی به مسائل جاری اکثریت عظیم قشر فرهنگی، خاصه مشکلات معیشتی فاجعه بار آنان در حال حاضر ندارد. (تجربه ایجاد بانک به عنوان "رفاه کارگران" در برابر چشم همگان است که اخیراً هم نمونه های تازه ای از زدبدها و اختلاسهای رایج در آن در ارتباط با پرونده شهرام جزایری برملا شده است). وزیر آموزش و پرورش در این مصاحبه درباره عدم پرداخت "یارانه مسکن" و یا "فوق العاده مناطق محروم" بخش بزرگی از آموزگاران و دبیران، توضیحی نمی دهد و در پایان نیز، در اشاره به دیگر مطالبات فرهنگیان، خیال

